

300907 - آیا بنابر حدیث «از جذامی بگریز چنانکه از شیر می‌گریزی» پزشکان را نیز باید از نزدیکی به بیماران مبتلا به جذام نهی کرد؟

سوال

من پزشک بیماری‌های پوستی هستم و بنابر کارم باید بیماران مبتلا به جذام را معاینه کنم و به صورت مستمر پی‌گیر وضعیت سلامتشان باشم. پرسش من درباره حدیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است که «از جذامی بگریز چنانکه از شیر می‌گریزی». من باید چکار کنم؟ چون من مسئول معاینه و تشخیص حالت‌های جذام و پی‌گیری وضعیت آنان هستم.

پاسخ مفصل

الحمد لله.

پیامبر - صلی الله علیه وسلم - امر نمودند که از کسی که جذام دارد بگریزیم، چنانکه احمد (۹۷۲۰) از ابوه‌ریره روایت کرده که گفت: شنیدم که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می‌فرمود: «از جذامی بگریز، چنانکه از شیر می‌گریزی» شعیب الارناؤوط در تحقیق مسند احمد آن را صحیح دانسته و بخاری این حدیث را به صورت معلق در صحیح خود آورده است.

این از باب دوری از اسباب بیماری است زیرا جذام - به اذن پروردگار - از شخص بیمار به شخص سالم منتقل می‌شود و شاید منتقل نشود، بنابراین شرط احتیاط است که از آنان دوری شود.

برای همین فقها تقریر نموده‌اند که بیمار مبتلا به جذام باید از هم‌نشینی با اشخاص سالم باز داشته شود، مگر با اجازه آنان.

در «کشاف القناع» (۱/۲۶) آمده است: «برای جذامیان جایز نیست که به طور کلی با افراد سالم هم‌نشینی کنند و نه با شخصی خاص مگر با اجازه او و بر والیان امر است که آنان را از مخالطت با اشخاص سالم باز بدارند به گونه‌ای که در جای خاصی نگهداری شوند و مانند آن و اگر ولی امر یا شخص جذامی چنین نکند گناهکار است و اگر بر ترک واجب با وجود علم سرباز بزند فاسق می‌شود. این را [یعنی شیخ الاسلام] در اختیارات گفته است و گفته است: چنانکه سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و خلفای ایشان بر همین اساس آمده است و چنانکه علما گفته‌اند».

در «الموسوعة الفقهية» (۱۵/۱۳۱) آمده است: «مالکیان و شافعیان و حنبلیان بر این رای هستند که بر اساس حدیث «از جذامی بگریز چنانکه از شیر می‌گریزی» مجذومی که زیان او به دیگران می‌رسد را باید از مخالطت با افراد سالم و حضور

در جمع مردم باز بدارند.

حنبلیان اما گفته‌اند: برای جذامی حلال نیست که با شخص سالم هم‌نشین شود مگر با اجازه او، پس اگر شخص سالم به او اجازه داد برایش جایز خواهد بود و این بر اساس حدیث «نه سرایت [بیماری] و نه شوم انگاری [اثر ندارد]».

در این باره از حنفیه قولی سراغ نداریم.

و اگر تعداد جذامیان بسیار شد، اکثریت گفته‌اند که دستور داده می‌شود تا در محل‌های خاصی از مردم دور نگه داشته شوند و برای تصرف در نیازهای خود منع نمی‌شوند. و گفته شده: لازم نیست جدا نگه داشته شوند.

و اگر اهل شهری که جذامیانی در آن است از مخالطت آنان در [محل برداشتن] آب زیان دیدند، اگر توانستند که بدون زیان رساندن به مردم آب بردارند به همین کار امر می‌شوند و در غیر این صورت دیگران برایشان آب می‌برند یا کسی را قرار می‌دهند که برایشان آب ببرد و در غیر این صورت (یعنی در صورت نبودن کسی که آب برایشان ببرد) از برداشتن آب منع نمی‌شوند».

شیخ ابن عثیمین - رحمه الله - می‌گوید: «بر ولی امر واجب است که جذامیان را از تندرستان جدا سازد، یعنی آنان را قرنطینه کند و این لازم است و ظلمی در حق آنان نیست بلکه از باب دوری از زیان آنان است، زیرا پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «از جذامی بگریز چنان‌که از شیر می‌گریزی».

ظاهر این حدیث در تعارض با این سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است که: «سرایت و شوم انگاری نیست» و شکی در این نیست، زیرا اگر سرایت نفی شود دیگر چه اشکالی دارد که جذامی در بین ما باشد؟

اما علما - رحمهم الله - این‌گونه پاسخ داده‌اند که سرایتی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آن را نفی کرده آن سرایتی است که اهل جاهلیت بدان باور داشتند و معتقد بودند که قطعا سرایت رخ خواهد داد، از همین روی هنگامی که آن اعرابی گفت: ای رسول خدا، چگونه سرایت نیست در حالی که شتر کاملاً سالم است سپس شتری که بیماری جرب (گال) دارد به نزدش می‌آید و او نیز جرب می‌گیرد؟ پس پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: «چه کسی [بیماری را] به اولین شتر سرایت داده است؟».

پاسخ این است که: آن‌که بیماری جرب را در او قرار داده الله است، بنابراین سرایتی که از شتر بیمار به سالم رسیده به امر الله عزوجل بوده، پس همه‌اش به امر پروردگار تبارک و تعالی بوده است.

اما این سخن پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که «از جذامی بگریز» امر به دوری از اسباب بیماری است، زیرا شریعت اسلام انسان را از این‌که خودش را به هلاکت افکند باز می‌دارد.

از همین روی اگر توکل شخص بر الله بسیار قوی باشد اشکالی ندارد که با جذامیان هم‌نشین شود، چرا که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روزی دست شخصی جذامی را گرفت و خطاب به ایشان فرمود: «به نام الله بخور» (به روایت ابوداود و ترمذی). و با ایشان در خوردن شریک شد، زیرا توکل ایشان بر الله بسیار قوی بود و این جذام هرچقدر مسری باشد اگر الله عزوجل از آن جلوگیری کند ممکن نیست که سرایت کند» (الشرح الممتع: ۱۱ / ۱۲۰).

بنابراین مشخص شد که مخالطت با جذامیان ایرادی ندارد، به ویژه اگر توکل بر الله قوی باشد و به ویژه اگر نیاز به آن بود، مانند آن‌که بیمار جذامی به پزشک نیاز داشته باشد و اگر احتیاط را رعایت کند و اسباب پزشکی را برای در امان ماندن از سرایت بیماری رعایت کند.

والله اعلم.